

فضای داخلی آمریکا تحت تأثیر دو پروندهٔ دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ و مرتبطان با اپستین، ملتهب شده و دولت‌مردان دو حزب، یکدیگر را متهم می‌کنند

فصل بگم بگم ها در واشنگتن



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

قدرت با حاشیه همراه است؛ اما درباره «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا این مسئله ابجدی چندین برابری دارد. ترامپ و هر آنچه به او مربوط می‌شود، همزاد حاشیه‌های بی‌پایان هستند.

پس از مطرح شدن نام رئیس جمهور آمریکا در اتهامات مرتبط با فعالیت‌های شبکه خدمات غیراخلاقی «جفری اپستین»، اعضای دولت وی درحال متهم کردن رقباً در پرونده‌ای دیگر شده‌اند. ویژگی مهم این اقدام، روندی است که ترامپ در «معکوس‌سازی اتهامات» علیه رقبایش در پیش گرفته است. در پرونده «دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا»، کارزار انتخاباتی ترامپ به ارتباط با مسکو متهم شده بود. پس از گذشت تقریباً یک دهه از آغاز اتهامات، اعضای دولت ترامپ ادعا می‌کنند این اتهام یک «حقه» علیه پیروز انتخابات بوده است. به این ترتیب به جای رئیس جمهور آمریکا، مخالفان او در همان پرونده متهم شده‌اند تا روند معکوس‌سازی شکل گیرد.

ترامپ خود در هفته گذشته به طور مستقیم «باراک اوباما» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا را به «خیانت» متهم کرده و اعلام کرد اوباما تلاش کرده تا به دروغ او را به روسیه مرتبط کند تا کارزار انتخاباتی ۲۰۱۶ او را تضعیف کرده باشد. حالا یک هفته بعد «جان راتکلیف»، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) صف متهمان را توسعه داده و تعداد بیشتری از سران و اعضای دولت دموکرات‌ها را وارد دایره کرده است. راتکلیف اخیراً تهدید کرده که احتمالاً برخی از مقام‌های دولت اوباما از جمله «هیلاری کلینتون»، رقیب دموکرات ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ با کيفرخواست یا پیگرد قضایی رویه‌رو می‌شوند. بر اساس گزارش وبگاه هیل، رئیس سازمان سیا «جان برنان»، مدیر اسبق سیا در دولت اوباما «جیمز کلایر»، مدیر اسبق اداره اطلاعات ملی آمریکا در این دولت و همچنین «جیمز کومی» مدیر اسبق بی. بی. سی در دولت اوباما را هم در صف متهمان قرار داده است. تنها شخص سرشناسی که از دایره بیرون مانده «جو بایدن» رئیس‌جمهور سابق است که در آن دوره معاون اوباما بود و حالا به دلیل کهنوت سن از چرخه فعالیت دور شده است. علاوه بر پرونده دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶، پرونده «جفری اپستین» سرمایه‌دار فعال در حوزه اقدامات غیراخلاقی نیز بار دیگر مطرح شده و تمرکز آن بر ترامپ قرار دارد. اپستین در سال ۲۰۱۹ دستگیر شده و در همان سال به طرز مشکوکی در زندان خودکشی کرد؛ ادعایی که بسیاری آن را باور ندارند. اپستین متهم به چرخاندن شبکه بهره‌کشی از دختران زیر سن قانونی بود.

نکات

درباره تحولات سیاسی هفته‌های اخیر در واشنگتن نکاتی وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱

رئیس سازمان سیا به عنوان نهادهی اطلاعاتی و تخصصی، به طور مستقیم و عریان به موضوعی سیاسی ورود کرده است. در معنای عمیق‌تر، این موضوع سیاسی، اوج یک بازی جناحی در سیاست داخلی است که مربوط به رقابت‌های انتخاباتی پیشین و درگیری بر سر قدرت می‌شود. این اتفاق درحالی رخ می‌دهد که اتهامات به ترامپ درباره کمک روسیه به کارزار انتخاباتی‌اش گرچه پس از پیروزی او در انتخابات و در زمان باقی‌مانده از دولت اوباما مطرح شـدند، اما عده پیگیری‌ها در این خصوص در دولت خود وی صورت گرفت.

به‌عبارتی دیگر پرونده حقوقی-امنیتی علیه‌ترامپ در شرایطی پیگیری می‌شده که اورئیس‌جمهور بود و بیسی از دخالت‌قوه اجرائی در مجازات مخالفان وجود نداشت. از این رو در آن برهه احتمال استفاده ابزاری از قدرت اجرایی برای توطئه‌چینی اندک بود؛ اما درحال‌حاضر سال اول ریاست جمهوری ترامپ تمام

نشده و او در ماه‌های آغازین درصدد توطئه علیه مخالفان برآمده است. اعضای کنونی قوه مجریه که دادسستان کل و رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی جزئی از آن هستند، علیه اعضای قبلی قوه مجریه که از جریان رقیبند، با قدرت و تسلط کامل اتهاماتی مطرح می‌کنند که بیشتر رنگ‌وبوی سوءاستفاده از قدرت را دارد.

۲

ترامپ در دولت خود افرادی به شدت سیاسی را در برخی از مسئولیت‌ها به کار گرفت که باعث تعجب در طبقه سیاسی شد؛ طبقه‌ای که او را می‌شناخت. علی‌رغم مخالفت‌ها رئیس‌جمهور تعدادی از این افراد را در رأس نهاد‌های اطلاعاتی نصب کرد که نمونه برجسته آن ریاست «تولسی گبارد» بر سازمان اطلاعات ملی است. او پیش از رئیس‌سازمان سیا مقامات دولست اوباما را به توطئه‌چینی علیه ترامپ در قضیه پرونده دخالت روسیه در انتخابات متهم کرده بود.

۳

دلیل پیوستن مدیر سازمان سیا به پرونده اقدامی است که گبارد انجام داد. در دولتی با کیش شخصیتی بالا، درصورتی‌که یکی از اعضا اقدامی تملق‌آمیز انجام دهد، دیگران برای عقب‌نماندن از قافله و متهم نشدن به کم‌کاری سعی می‌کنند وارد ماجرا شوند. از این رو مدیر سیا ضمن پیوستن به قضیه، تلاش کرده با قطار کردن اسامی مدیران دولت دموکرات، اقدام خود را وزنی بیشتر ببخشد.

۴

اقدامات هم‌زمان رئیس‌سازمان اطلاعات ملی و رئیس‌سازمان سیا شکل‌گیری نوعی رقابت در میان نهاد‌های اطلاعاتی آمریکا برای پرونده‌سازی علیه‌رقبای ترامپ است که یکی از مهم‌ترین نتایج آن، افزایش کارت‌های بازی ترامپ در سیاست داخلی است. از این رو رئیس‌جمهور آمریکا به دلیل مزیت‌هایی که این رقابت داخلی میان اعضای دولتش در اختیار او قرار می‌دهد، احتمالاً تلاشی برای توقف این رقابت صورت نخواهد داد؛ حتی اگر انتقادات از این رویه فزونی گیرد.

۵

این احتمال وجود دارد که گبارد برای تقویت جایگاه خود در دولت ترامپ که کاهش یافته بود، دست به این اقدام زده باشد. گبارد پیش از حمله رژیم صهیونی به ایران و در بحبوحه اخبار درباره خطرناک شدن ابعاد برنامه هسته‌ای ایران، با تأکید بر گزارشات پیشین سازمان تحت‌مدیریتش که در دولت‌های قبل نیز بر غیرتسلطحاتی بودن برنامه ایران تأکید داشتند، این موضوع را تکرار کرد. این اقدام او باعث شد ترامپ اعلام کند نظرات گبارد برایش مهم نیست. حالا گبارد با تهیه پرونده‌ای علیه‌رقبای سیاسی ترامپ که دفاعی از او به حساب می‌آید و می‌تواند ضمن نجاتش از اتهامات، قدرت سیاسی او را تقویت کند، درحال بهبود جایگاهش است.

۶

آنچه ترامپ را در پرونده اپستین هدف قرار می‌دهد، تنها روابط خارج از عرف نیست بلکه دو موضوع مهم‌تر است؛ اول ارتباط با دختران زیر سنن قانونی و دوم ردپای رژیم صهیونی در آن. برخی گمانه‌زنی کرده‌اند که اپستین مأمور موساد برای آلوده‌سازی سیاستمداران آمریکایی برای باج‌خواهی از آن‌ها بوده است.

۷

در پرونده دخالت در انتخابات، پای روسیه و در پرونده اپستین، پای رژیم صهیونی به میان آمده است. این دو کشور نسبت به دیگران انگیزه و مسابقه ورود به مسائل داخلی آمریکا را داشته و ضمن عظیم بودن ابعاد اقداماتشان، این فعالیت‌ها را به شکل بی‌محابا و آشکار پیگیری کرده‌اند.

۸

آن‌گونه که مقامات دولت ترامپ ادعا می‌کنند، اتهام ارتباط میان روسیه با کارزار انتخاباتی او یک اتهام ساختگی بوده است. اگر این‌گونه باشد دیگر لزومی به دخالت رئیس‌سازمان سیا وجود ندارد. حتی اگر شواهدی از دخالت روسیه در انتخابات آمریکا وجود داشته باشد، اعضای دولت ترامپ ادعا کرده‌اند در پرونده خاص مربوط به او، داستانی جعلی ساخته شده است. در این صورت، ماجرا به‌سازمان سیا مربوط نخواهد بود اما راتکلیف بیشتر برای خوش خدمتی به ترامپ خود را وارد قضایا کرده است. او برای ورود

طبق نظرسنجی گالوپ ۹۰ درصد جوانان آمریکا از اسرائیل حمایت نمی‌کنند

طوفان نسل Z

در ماه‌های اخیر شاهد تشدید موج جدیدی از واکنش‌های جهانی به جنایت اسرائیل بوده‌ام که پس از بازنشر تصاویر نوزادان و کودکان تحت‌قطعی در غزه شدت گرفته‌اند. در همین راستا نظرسنجی ماه جاری گالوپ، نشان‌دهنده کاهش بی‌سابقه حمایت مردم آمریکا از عملیات نظامی اسرائیل در غزه است. کاهش حمایت از اقدامات نظامی اسرائیل در غزه و دیدگاه منفی نسبت به بنیامین نتانیاهو نشان‌دهنده یک تحول عمیق در افکار عمومی آمریکا و جهان است. نظرسنجی‌های گالوپ نشان می‌دهند تنها ۳۲ درصد از آمریکایی‌ها از عملیات نظامی در غزه حمایت می‌کنند، درحالی‌که ۶۰ درصد با آن مخالفند. کشور‌های غربی، اگرچه با اظهارات حمایتی از فلسطین به این فشارها پاسخ داده‌اند؛ اما عدم پیگیری اقدامات عملی نشان‌دهنده این است که آن‌ها صرفاً خواهان غرق‌نشدن در موج اعتراض به وجود آمده تحت‌تأثیر جنایات اسرائیل هستند. اینکه کشور‌های غربی حتی به لحاظ زبانی ناچار به واکنش شده‌اند امیدواری را ایجاد می‌کند که تداوم واکنش‌های جهانی، رژیم صهیونیستی را وادار به پایان نسل‌کشی و قطعی در غزه کند.

حمایت آمریکایی‌ها از عملیات درغزه به کمتر از نصف رسید

حمایت از اقدامات نظامی اسرائیل در غزه در میان آمریکایی‌ها به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. بر اساس نظرسنجی اخیر گالوپ، نارضایتی از اقدامات نظامی اسرائیل به ۶۰ درصد رسیده و تنها ۳۲ درصد از آمریکایی‌ها از این عملیات حمایت می‌کنند که این رقم پایین‌ترین میزان از زمان اولین نظرسنجی گالوپ پس از ۷ اکتبر در نوامبر ۲۰۲۳ است. این در حالی است که در ابتدای جنگ، حدود نیمی از آمریکایی‌ها از این عملیات حمایت می‌کردند. این آمار نسبت به سپتامبر ۲۰۲۴ نیز کاهش ۱۰ درصدی در حمایت از اسرائیل و افزایش ۱۲ درصدی در مخالفت را نشان می‌دهد.

۹۰ درصد جوانان آمریکایی از اسرائیل حمایت نمی‌کنند

این کاهش حمایت به‌ویژه در میان گروه‌های سنی جوان‌تر برجسته‌تر است. تنها ۱۰ درصد از آمریکایی‌های زیر ۳۵ سال از عملیات نظامی اسرائیل حمایت می‌کنند، درحالی‌که ۵۰ درصد از افراد بالای ۵۵ سال همچنان حامی این اقدامات هستند. این شکاف سنی نشان‌دهنده تفاوت‌های نسلی در دیدگاه‌ها نسبت به سیاست‌های خارجی و مسائل حقوق بشری است.

مخالفت اکثریت جامعه آمریکا با حمله اسرائیل به ایران

نظرسنجی گالوپ همچنین به بررسی دیدگاه آمریکایی‌ها درباره اقدام نظامی احتمالی اسرائیل علیه سایت‌های غنی‌سازی هسته‌ای و نظامی در ایران پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند ۳۸ درصد از آمریکایی‌ها این اقدام را تأیید می‌کنند، درحالی‌که ۵۴ درصد با آن مخالفند. این ارقام نشان‌دهنده تردید قابل توجه در میان آمریکایی‌ها نسبت به گسترش اقدامات نظامی اسرائیل به دیگر مناطق است.

غربی‌ها وادار به واکنش زبانی شدند

کاهش حمایت از اسرائیل در آمریکا همزمان با افزایش انتقادهای جهانی از این رژیم رخ‌داده است. تصویر گرسنگی کودکان در غزه موج جدیدی از احساسات ضداسرائیلی را در اروپا و آمریکا به راه انداخته است. این موضوع به‌ویژه در میان نسل‌های جوان‌تر که حساسیت بیشتری نسبت به مسائل حقوق بشری دارند، تأثیرگذار بوده است. در این میان، کشور‌های غربی مانند انگلیس، فرانسه، آلمان و آمریکا که به طور سنتی از حامیان



حتی به شکل عمومی، حکایت از جمع‌آوری‌های اطلاعاتی در این خصوص دارد.

برای جنبش ماگا که هسته اصلی طرفداران ترامپ را تشکیل می‌دهد، دو موضوع در رابطه با اپستین مهم است؛ نخست آنکه بر اساس تئوری‌های توطئه برخی معتقدند شبکه اپستین از حمایت دولت برخوردار بوده است؛ دولتی که طرفداران ماگا آن را فاسدو دولت عمیق می‌دانند. دومین مسئله وابستگی احتمالی او به تل‌آویو است که برای طرفداران جنبش ماگابا ملی‌گرایی‌شدید، نشانه‌ای از تحرکات خارجی و سوءاستفاده از کشورشان است.

پیش‌بینی می‌شد ترامپ در دوره ریاست جمهوری خود درنهایت از مخالفانش که در دوره اول ریاست جمهوری‌اش برای او مشکلاتی ایجاد کرده و دو بار استیضاحش کردند و در دوره چهارساله بایدن پرونده‌های مختلفی علیه‌اش به جریان انداختند، انتقام خواهد گرفت. حالا او بسپار زود درصدد این کار برآمده است.

ترامپ با لایحه موسوم به «زیا و بزرگ» طیفی از ثروتمندان را دچار زیان کرد که «ایلان ماسک» نمادی از آن‌ها بود. ماسک که اولین بار به وجود نام ترامپ در پرونده اپستین اشاره کرد، پس از یک عقب‌نشینی کوتاه مدت، درحال حاضر بار دیگر پیگیر ماجرا شده است.

ترامپ جبهه‌های مختلف علیه‌خود را تعمیق کرده است. در داخل او با پیروی از رژیم صهیونی خشم فعالان جنبش ماگارا برانگیخت، با لایحه بزرگ و زیبا باعث جداشدن ماسک از دولتش و رنجیدن طیف‌هایی از صاحبان ثروت شد و در جریان اپستین انتقاداتی را در داخل حزب جمهوری‌خواه برانگیخت. در خارج از کشور، اروپا، روسیه، چین و ایران مواجهه‌هایی سنگین با او داشته‌اند.

ترامپ رویه‌ای را در معکوس‌سازی اتهامات در پیش گرفته است. او در دولت اولش متهم به ارتباط با روسیه‌شد و حالا در دولت دومش درحال معکوس‌سازی روند و اتهام‌زنی به دموکرات‌ها در همین راستاست. در جریان اپستین نیز پس از متهم شدن، ترامپ اعلام کرد این بیل کلینتون یکی از سرران حزب دموکرات بوده که ۲۸ بار به جزیره او سفر کرده است.

دولت ترامپ با نادیده گرفتن بایدن، دولت اوباما را هدف قرار داده است. هرچند او باید برای اتهام‌زنی در قضیه روسیه دولت وقت را متهم می‌کرد، اما ترامپ علاقه ویژه‌ای برای تخریب او ااما دارد. بایدن به دلیل سن، ناتوانی و ابتلاش به سرطان تقریباً از چرخه خارج شده و بزرگ‌ترین رهبر قدیمی و قدرتمندی که در دموکرات‌ها باقی مانده، او اوماست؛ هرچند در زمان فعالیت بایدن نیز اوباما نفوذ قابل توجهی داشت.

اصلی اسرائیل بوده‌اند، تحت‌فشار فزاینده‌ای برای پاسخگویی به این انتقاده‌ها قرار گرفته‌اند. انگلیس و فرانسه اعلام کرده‌اند در صورت عدم انجام اقدامات بیشتر برای پایان‌دادن به بحران غزه، ممکن است در سپتامبر کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند. این موضع‌گیری هرچند ظاهراً حامی حقوق فلسطینیان است، به نظر می‌رسد بیشتر یک اقدام نمادین با بازخورد رسانه‌ای بالا باشد. این کشورها به‌خوبی آگاه هستند اسرائیل با ایده ۲دولتی مخالف است و چنین پیشنهادهایی احتمالاً در عمل به نتیجه نخواهند رسید. این رویکرد به‌جای اقدامات عملی مانند قطع کمک‌های اقتصادی یا نظامی به اسرائیل، صرفاً به‌اندازه تلاشی برای مدیریت خشم عمومی و حفظ وجهه سیاسی در برابر موج فزاینده اعتراضات جهانی کارایی دارند. از سوی دیگر، آلمان موضع محتاطانه‌تری اتخاذ کرده است. اولاف شولتس، صدراعظم آلمان ضمن تأکید بر لزوم توقف درگیری‌ها و بهبود وضعیت بحرانی در غزه، به‌صراحت اعلام کرده که به‌رسمیت‌شناختن کشور فلسطین در شرایط کنونی مناسب نیست. او همچنین بر جلوگیری از هرگونه جابه‌جایی جمعیتی یا الحاق کرانه باختری تأکید کرده و خواستار اصلاح شرایط فاجعه‌بار در غزه توسط اسرائیل شده است. این موضع نشان‌دهنده تلاش آلمان برای حفظ تعادل بین حمایت سنتی از اسرائیل و پاسخگویی به فشارهای عمومی و بین‌المللی است. دونالد ترامپ نیز به این موضوع واکنش نشان داده است. او با ادعای نتانیاهو مبنی بر اینکه تصویر کودکان ضعیف‌شده در غزه ناشی از بیماری ژنتیکی است و نه گرسنگی، مخالفت کرده است. این موضع‌گیری نشان‌دهنده تلاش برای فاصله‌گیری از برخی ادعاهای جنجالی اسرائیل است، درحالی‌که آمریکا همچنان به‌طورکلی از اسرائیل حمایت می‌کند. بااین حال این اظهارات نشان می‌دهد فشارهای عمومی برای پاسخگویی به بحران انسانی در غزه توانسته حداقل به اندازه وادارکردن مهم‌ترین حامی اسرائیل به اعتراف در مورد تحمیل گرسنگی به کودکان فلسطینی کارگشا باشد. کاهش محبوبیت اسرائیل می‌تواند به انزوای بیشتر این رژیم در مجامع بین‌المللی منجر شود. بااین حال حمایت سنتی کشورهای غربی از اسرائیل، به‌ویژه در زمینه نظامی و دیپلماتیک، احتمالاً مانع از تغییرات اساسی در سیاست‌های منطقه‌ای خواهد شد. پیشنهادهایی مانند به‌رسمیت‌شناختن فلسطین، درحالی‌که می‌تواند به‌عنوان یک گام نمادین مهم تلقی شود، بدون اقدامات عملی تأثیر قابل‌توجهی ندارد و دولت‌های غربی نیز نسبت به بی‌حاصل بودن رویکردهای ریاکارانه خود در این باره آگاه هستند.

فرهنگ‌نگار

پانویس

منابع

پیوند به بیرون

پنجشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۷۲

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

منابع

####